

## عمر خیام

—۲—

قسمت اول این مقاله سال گذشته در شماره دوم و سوم (اردیبهشت و خرداد ۱۳۳۲) یغما  
بچاپ رسید و متأسفانه انتشار دنباله آن بمللی تا بحال متوقف ماند. (مترجم)

اکنون باز این سؤال پیش میآید که کدام يك از اشعاری که باونسبت داده شده فی الواقع از  
اوست؟ بدنبال این سؤال مسائل دیگری نیز میآید مانند اینکه چرا در نقل و تدوین مجدد مجموعه اشعار  
دو قرن فاصله روی داده است. اگر خیام در سال ۶۰۴ (تاریخ کتابت نسخه کیمبرج) شاعری بسیار  
معروف بوده پس ازین تاریخ چه بر سر شهرت او آمده و چرا در محاق گمنامی فرو رفته است؟ اینها  
مسائل مهم و مهمی است که روشن کردنش فرصت فراوان میخواهد و شاید هرگز چنانکه باید حل نشود.  
اکنون این مسائل چندان تازگی دارد که تنها از روی حدس و گمان میتوان جوابی بآن داد.  
نخست مسأله اصالت تألیف را در نظر میگیریم و بحقیقی که ارتباط مستقیم با آن دارد وشایان  
تأمل است اشاره میکنیم. مقایسه نسخه کیمبرج با نسخه چسترییتی نشان میدهد که دومی جزئیست از  
اولی و نه تنها ۱۷۲ رباعی که در این آمده در آن هم هست بلکه ترتیب اشعار و اختلاف ظاهری (و  
شاید صحیح) در ضبط بسیاری از کلمات چنانکه در نسخه دومی آمده در نسخه اولی نیز دیده میشود.  
البته ترتیب اشعار در بعضی جاها باهم اختلاف دارد اما تنها بطرزی که تصور میروید یا اوراقی چند از  
نسخه کیمبرج سابقاً بصورتی دیگر مرتب بوده و یا کاتب نسخه چسترییتی هنگام قرائت نسخه کیمبرج را  
پس و پیش میخوانده است. مطالعه دقیق تر در این مورد یعنی تغییرات جزئی در ترتیب اشعار و توجه  
باین نکته که چرا کاتب نسخه دومی ۱۷۲ رباعی اختیار ۸۲ رباعی دیگر را رد کرده است مستلزم  
تحقیق دقیقست که چندان ارتباطی با بحث کلی ما ندارد هر چند هر يك در جای خود جالب توجهست.  
ما در پایان این کتاب جدول تطبیق و مقایسه مطالب نسخه های معتبر خطی و چاپی را بطور خلاصه  
آورده ایم. در اینجا کافست اشاره کنیم که از ۳۳ رباعی که در مجموعه سال ۱۳۳۰ (دوربای در آنجا  
مکرر شده و بنابرین جمع صحیح رباعیات آن ۳۱ است) دیده میشود ۸ تای آن در نسخه کیمبرج  
و ۷ تای آن در نسخه چسترییتی و از ۱۳ رباعی که در سفینه ۱۳۴۰ آمده ۲ تای آن در نسخه کیمبرج  
و ۹ تای آن در نسخه چسترییتی و از ۱۵۸ رباعی نسخه بودلیان ۶۰ تای آن در نسخه کیمبرج و فقط  
۴۲ تای آن در نسخه چسترییتی آمده است. از ۱۲۱ رباعی که ریستن سن بعنوان «رباعیات اصیل»  
انتخاب کرده ۶۷ تا در نسخه کیمبرج و فقط ۴۸ تا در نسخه چسترییتی و از ۱۷۸ رباعی که فروغی  
برگزیده ۸۹ تا در نسخه کیمبرج و ۶۹ تا در نسخه چسترییتی آمده است.

از نسخه های خطی و چاپی که بگذریم و بر رباعیاتی که از دیر زمان در سایر جاها نقل شده توجه  
کنیم باین مطالب قابل توجه بر میخوریم. در سند با دنامه محمد سمرقندی که در سال ۵۵۶ (۱۱۶۱)  
تألیف شده پنج رباعی از عمر خیام آمده که مانند سایر اشعار این کتاب ذکری از گوینده آنها نشده  
است. ازین رباعیات ۳ تا در نسخه کیمبرج و نسخه چسترییتی آمده است. نجم الدین وایه مؤلف

مرصادالعباد که آن را در ۶۲۰ (۱۲۲۳) تألیف کرده دوربای ازخیام نقل میکند که هر دو در نسخه کیمبریج فقط یکی از آنها در نسخه چستریتی آمده است. تاریخ معروف جهانگشای جوینی یک رباعی ازخیام نقل میکند که در هر دو نسخه موجود است. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده که تألیف آن را بسال ۷۴۰ (۱۳۳۰) کامل کرده نیز یک رباعی ازخیام نقل میکند که در هیچیک از دو نسخه نیست. استاد سعید نفیسی یک نسخه معمولی در ایران سراغ کرده اند که در حدود ۷۵۰ کتابت شده و مشتمل بر یازده رباعی منسوب بخیام است. ازین رباعیات شش رباعی در نسخه کیمبریج و چهار تا در نسخه چستریتی آمده است. جناب آقای دکتر قاسم غنی در کتابخانه ملی تهران جنگی از اشعار فارسی یافتند که ظاهراً در قرن چهاردهم فراهم شده و مشتمل بر پنج رباعی ازخیام است. ازین پنج رباعی دو رباعی در نسخه کیمبریج و چستریتی آمده است.

پس از ذکر این حقایق تلخ ولی معتبر که مجموعه ای از شواهد و دلایل را تشکیل میدهد (و بتجزیه که در باره متون و نسخه های قدیم بیشتر مطالعه و تحقیق شود و قطعاً دامنه آن وسعت مییابد و هر کدام اصالت نسخه های کیمبریج و چستریتی را تأیید میکند) میپردازیم بیحث و تأمل درین مسأله بسیار مشکل که چرا در نقل اشعار و تدوین مجدد مجموعه رباعیات خیام فاصله افتاده و شهرتش را ازوال پیموده است.

اولاً پیش از همه باید باین نکته توجه داشت که اطلاعات ما از مجموعه نسخه های خطی موجود در کتابخانه های ترکیه و ایران هنوز بسیار ناقص است و چه بسا نسخه های متعلق بقرن هفتم و شاید هم قدیمتر باز یافته شود بنابراین بهیچوجه نمیتوان یقین کرد که این فاصله ظاهری حقیقه وجود دارد. ثانیاً باید بظاطر داشت که نسخه های خطی فارسی متعلق بدوره قبل از هجوم مغول نسخه نادرست زیرا درین فاجعه عظیم که باعث اینهمه نیستی و تباهی شد احتمال بسیاری از نسخه های خطی رباعیات خیام طعمه حریقهای بزرگ شده باندست مغولان وحشی و منتهی بآن غریبین مدین و دشمنان تبعن نابود شده باشد. سزاوارست که در اینجا ذکر ی از شاعرانی بکنیم که روزگاری در ایران بسیار مشهور و معروف بودند از جمله رودکی که در ۳۲۹ (۹۴۰ - ۹۴۱) وفات یافته است و نخستین شاعر بزرگ ایران بشمار میرود و درباره او گفته اند که بیش از یک میلیون شعر گفته است و باوصف این از اینهمه اشعار پیش از عده انگشت شمار باقی نمانده است. ازین قبیل موارد بسیار میتوان ذکر کرد و با توجه باین حقایق جای تعجب است که اشعار خیام صرف نظر از آنها که بطور پراکنده در متون قدیم نقل شده چگونه بدست ما رسیده است و کشف این دو نسخه نفیس متعلق بقرن هفتم از موارد بسیار استثنائست.

دانشمندان پس از غور درین امر گمان کرده اند که رباعیات خیام با چند سلسله روایت و نقل و استسخاخ که هر کدام ممتاز و مشخص است بدست ما رسیده. اینک چنین مینماید که نسخه کیمبریج و نسخه چستریتی متعلق بیک سلسله معین است و تجزیه و تحلیل بیشتر ممکنست ثابت کند که نسخه های فراوانی متعلق باین سلسله بوده است. با اینهمه فرائین و شواهد موجود نشان میدهد که این دو نسخه کمتر دست بدست گشته و قطعاً در دسترس عامه نبوده و شاید قرنها در تصرف خانوادگانی بوده است که آنها را بارشک و غیرت همچون گنج حفظ کرده اند همچنانکه این امر در مورد نسخه های شرقی بسیار اتفاق افتاده است.

نویسنده نسخه کیمبریج در خانه کتاب چنان سخن میگوید که گویی او نه تنها کاتب بلکه مصنف نیز بوده و میگوید که کل خود را «ارتجالاً» و «بعجله تمام» انجام میداده پس اگر اشتباهی کرده

باشد معذوزست. اگر بیرسند که در فراهم کردن جنگ خویش از چه مأخذی استفاده کرده پیداست که در جواب باید بعدس و گمان متوسل شد. ممکنست تصور کرد که وی يك نسخه نفیس کهنه متعلق بقرن دوازدهم و احتمالاً همان نسخه اصیل و بقول استاد مینورسکی «حقیقت مجرد» را در دست داشته که مشتمل بر ۷۵۰ رباعی بوده است. بهمان ترتیب ممکنست حدس زد که وی عده‌ای از کتابهای معمولی را در دست داشته که هر یک کم و بیش مشتمل بر مجموعه‌ای از رباعیات خیام بوده و او هنگام تألیف بتدریج از آنها آنچه را می‌پسندیده اختیار می‌کرده. هر چند برای بطلان این فرض و علی‌رغم چنین تصادفی میتوان بذکر این حقیقت پرداخت که کاتب هرگز رباعی را مکرر ننوشته و حال اینکه باثباتی که داشته چنین امری بسیار امکان پذیر بوده است.

فرض سوم اینست که این اشعار را ازحافظه خود نقل کرده است. ایرانیان درس خوانده عصر او و براسستی تمام اعصار همیشه مقدار باورنکردنی شعر ازحفظ داشته اند و دارند. بااینهمه رویهمرفته فرضی که از همه مقبول تراست آنکه وی نسخه‌ای منحصر بفرد در دست داشته. در این صورت این نکته را باید مورد بحث قرار دهیم که آیا اصولاً خیام اشعار خود را بصورت مجموعه واحد معین منتشر نموده و یا اینکه رباعیات او بطریقی دیگر در معرض انتشار و در دسترس عامه قرار گرفته است. شرح این نکته بزودی هنگام بحث در باره رباعیات خیام از لحاظ هنر شعری و خصایص سبک او بیاید.

پس از تألیف مجموعه کیمبرج و جستریبی اگر فی الواقع مدت زمانی فاصله درنقل و تدوین مجدد مجموعه رباعیات خیام روی داده باشد قطعاً مسأله ایست که بامسأله دیگر یعنی زوال شهرت خیام مرتبط است و بی شک با سایر عوامل هم بستگی دارد.

در هر حال فروغی این حقیقت را که شهرت خیام در ایران اندک بوده است اصلاً قبول ندارد و باین عقیده رایج که ترجمه فیتز جرالد خیام را از گمنامی محض بدر آورده شد بدناً اعتراض میکند. موافقت او با شهرت خیام همان قدر مبالغه آمیزست که مخالفتش با خدمت فیتز جرالد در مشهور کردن وی. بدون هیچ تردید انحطاطی در شهرت خیام روی داده و جعل شرح و توضیح بظاهر منطقی در رد این معنی کاری آسانست (۱). بجز چند شاعر بزرگ مانند فردوسی و انوری سایر امرای ادب فارسی در قرن سیزدهم میلادی و دو قرن پس از آن برخاسته اند و شعرائی مانند عطار و جلال الدین رومی و سعدی و حافظ و جامی متعلق باین سه قرن اند (فقط مهمترین شاعران این دوره را یاد کردیم) و در

(۱) استنباط محقق محترم چندان مقرون بصواب نیست زیرا مرحوم فروغی صریحاً مینویسد که «آن بزرگوار شهرت عظیم خود را در این اواخر مدیون اروپائیان است و این گوهر گرانبها نیز حال بسیاری از نفایس ادبی و علمی و صنعتی ما را داشت که در گوشه فراموشی افتاده و قدر و ارزش آنها معلوم نشده بود مگر پس از آنکه اروپائیان و آمریکائیان بی با آنها بردند و جلب توجه نمودند . . . . . بازار رباعیات خیام هم وقتی گرم شد که یک نفر شاعر با ذوق انگلیسی فیتز جرالد نام یک عده از آنها را بشعر انگلیسی درآورد . . . . . الی آخر. تنها چیزی که ممکنست باعث اشتباه استاد آربری شده باشد اینست که مرحوم فروغی قبل از مطالب مذکور مینویسد «رباعیات خیام از دیر گاهی سرغوب ویسند آمده و حکیم نیشابور سرآمد رباعی سرایان شناخته شده بود . . . . .» و در مورد مقایسه خیام با فیتز جرالد میگوید «بعضی گفته اند منظومه فیتز جرالد بهتر از اصل رباعیات خیام است بنظر ما چنین نیست ولی حق اینست که در ادای آن معانی بزبان انگلیسی و موافق مذاق اروپائیان هنر کرده است . . . . .» (نگاه کنید بر رباعیات حکیم خیام نیشابوری با مقدمه و حواشی مرحوم فروغی صفحه ۲۱ - ۲۲). [ مترجم ]

جائی که اینان بودند کاتبان و کارفرمایان شان کمتر احتیاج باستنساخ شعر شاعری بسیار کوچک تر مانند خیام داشتند . به علاوه در طی سالهایی که مغول بایران حمله کردند تغییری فاحش در ذوق ادبی مردم حاصل شده بود و این موضوعیست که هنگام بحث در باره فلسفه حیات از نظر خیام تا جایی که حدود این مقال اجازه دهد بدان اشاره میکنیم . باری بعد ها مردم سخنان خیام را یا بدان معنی حقیقی که منظور وی بود شنیدند یا بعنوان تمثیل عرفانی پذیرفتند و بدینسان بار دیگر آوازه اش بالا گرفت و نسخا برای اینکه کمتر رنج خطاطی را تحمیل کنند و از حامیان خویش کسانی را که خواسته و مال کمتر داشتند خشنود سازند گاهگاه باستنساخ رباعیات خیام دست زدند .

( بقیه دارد )

از : دستور

## آزادی

رها کرد طفلی کبوتر ز دست  
بر صاحب بام شد طفل و گفت  
بگیر این کبوتر بمن باز ده  
بگفت این کبوتر بنام تو نیست  
پیام من آورد اینک پناه  
پناهنده را کی دهد مرد باز  
اگر ماکیان بود این داشت جای  
کبوتر یکی مرغ آزاده است  
تو میسند آزاده را پای بند  
ده و رسم آزادگان پیش گیر  
ترا خسود ز آزادی این شادی است  
ازان شادمانی که بندی نه ای  
گرت جنب و جوش است گرجست و خیز  
بهر جا اسیری است آزاد کن  
کبوتر پیام دگر کس نداشت  
که بخت قرین باد و اقبال جفت  
و یا با کلوخیش پرواز ده  
بغیر از اسیری بدام تو نیست  
پناهنده را ای پسر و اخخواه  
که پیوسته با دا در مرد باز  
که بندی است پرواز کوتاه پیاپی  
که آزادیش را خدا داده است  
پرش باز کردی میفکن ببند  
نصیحت نه از من که از خویش گیر  
ندانم چه بهتر ز آزادی است  
به پستی گرای از بلندی نه ای  
ز آزادی است این همه رستخیز  
جهان را با آزادی آباد کن